



## تبارشناسی

### آیین و کارنامه احزاب سیاسی



دوستان نهایت عزیز درود بره‌ریک از شما.

می‌خواهم سخن‌های خود را در بحث تبارشناسی آیین و کارنامه احزاب سیاسی،

با این پرسش آغاز نمایم:

**چرا باید حزب داشته باشیم؟**

برای اینکه در امر آرایه اندیشه‌های خود و دفاع از آن موفق باشیم، باید با هم

متحد شویم. و از آن جایی که در جامعه کمتر وحدت نظر و وحدت منافع به چشم

می‌خورد، پیدایش اتحادیه‌های گوناگون بسیار طبیعی است. معمولن چنین اتحادیه‌ها را که بر مبنای منافع بوجود می

آیند، در اصل بنام سازمانهای سیاسی ( احزاب ) یاد میکنند.

چگونه میتوانیم مردم را به این امر معتقد بسازیم، برای اینکه سخن شما شنیده شود و خواست‌های شما از جانب هیأت

حاکمه در نظر گرفته شود باید همفکران خود را در احزاب موجود پیدانمایید. آیا امروز احزابی که همفکر هستند و

خواست‌های مشترک دارند باهم جمع شده‌اند؟ آیا این یک حقیقت است؟

و یا اینکه لازم خواهد بود تا اهداف، خواسته‌ها و افکار سیاسی خود را دوباره بیان کنیم و روی آنچه پیامد یک بازنگری

خواهد بود، مهر تایید بگذاریم.

در اینجا بیهوده نیست اگر سخنهاى شخصیت با اعتباری چون م. دیورژه را بیاد بیاورم: « رژیم بدون احزاب نخبگان

حکمرانانی را که بر اساس حق حکمران‌زادگی، حق دارا بودن و حق عالی مقام بودن شکل پذیرفته‌اند، ابدیت می

بخشد؛ و یا اینکه برای انسانی که از میان مردم برخاسته است خیلی دشوار خواهد بود تا بدون این حصار (کاست)

در بسته بدون پشتیبانی حزبی که بخواهد نخبگان خود را خود بزرگ بسازد، نفوذ پیداکنند.»

می‌خواهم بگویم که ما سرنوشت خود را با فعال بودن و پیگیری خود تعیین میکنیم.

**حزب سیاسی چیست؟**

ساده‌ترین تعریف یک حزب میتواند چنین بیان شود:

هر اتحادیه ای اجتماعی که میخواهد از طریق نمایندگان منتخب خود به حاکمیت برسد یا روی آن اثر گذار باشد، بنام حزب یاد میشود.

برک یکی از نخستین شخصیت های سیاسی انگلیس و فیلسوف سده هژده حزب را چنین تعریف کرده است: " حزب انسان های متشکلی اند که بخاطر براه انداختن منافع ملی، مشترک تلاش می ورزند و از برخی موازینی ویژه ی که نسبت به آن به توافق رسیده اند بحیث رهنمود کار میگیرند".

دانشمند بزرگ و جامعه شناس آلمانی ماکس وبر می پنداشت که احزاب سازمان های اجتماعی اند که روی پذیرش داوطلبانه اعضای که در برابر خود هدف رسیدن به حاکمیت را برای رهبری خود و تامین شرایط لازم (مادی و معنوی) برای فعالین خود جهت بدست آوردن سود ویا امتیازات شخصی ویا برای بدست آوردن هر دوی آن همزمان، قرار میدهند، استواراند.

دانشمند دیگر آلمانی ب. هاسباخ حزب را مانند اتحاد انسان های که دارای دیدگاه ها واهداف سیاسی یکسان میباشندوبرای رسیدن به حاکمیت سیاسی بخاطر استفاده از آن جهت برآورده شدن خواست های شخصی شان تلاش می ورزند، تعریف کرده است.

حزب سازمان اجتماعی سیاسی است که برای حاکمیت ویا مشارکت در امر تحقق آن میرزمد. حزب سیاسی سازمان همفکرانی است که از منافع شهروندان، گروه های اجتماعی و طبقات نمایندگی میکند وهدفش تحقق منافع یادشده ازراه بدست آوردن قدرت دولتی ویا مشارکت بخاطریاده کردن آن میباشد.

### چرا احزاب سیاسی برپا میشوند؟

ویلهم گریوه دانشمند آلمانی در بخش حقوق دولتی میگوید:

اگر دموکراسی مبارزه برای رسیدن به رهبری سیاسی با رعایت قواعد تعیین شده ای بازی میباشد، پس احزاب ساختارهای جدا ناپذیری {از دموکراسی} اند که مانع جنگ به جنگ شدن بی قاعده همه برضد همه میشوند و مبارزه را در بستر قانونمند و درست آن انتقال میدهند.

میکائیزم عمومی پیدایش احزاب سیاسی در روند تاریخی رشد نهاد های دموکراتیک خیلی هم ساده است: در هر ارگانی حاکمیت که از مردم نمایندگی میکرد (مانند پارلمان) نمایندگان بر اساس اشتراک منافع با هم متحد میشدند و هم چنان کمیته های انتخاباتی مشتمل بر فعالانی که از کاندید های مورد نظر شان حمایت میکردند بوجود می آمدند و میان آنها آهسته آهسته روابط دائمی ایجاد می شد؛ بر اساس همین اتحاد بین نمایندگان و طرفداران شان "پیش احزاب" بوجود می آمدند.

در عقب احزاب و اتحاد های پارلمانی منافع قرار داشت و ستیز منافع بگونه طبیعی انسان های را که دارای منافع مشترک بودند در مقابل دیگرها با منافع دیگر، متحد میساخت. طبع سیاستمداران مانند شهروندان عادی برای مستدل کردن خواست ها و منافع خود در جستجوی دکتورین سیاسی یا یدیا لوزی بودند. بیشترین، تکانه نخست برای متحد شدن، حوزه های همجوار انتخاباتی و بر همین مبنا خواست های نزدیک به هم رای دهندگان و یا علاقمندی دفاع مشترک از خواست های مشترک بوده است؛ بعد ها دکتورین یا ایدیا لوزی که منافع «خود خواهانه» را استحکام می بخشید بوجود آمده است.

### صفات و مواصفات احزاب سیاسی

## صفات و نشانی های احزاب.

یکی از روشهای تفکیک نهادها در برابر هم، علامتها و نشانه هایی اند که بر اساس این نمونه ها و علامات نهاد های اجتماعی و گروه های سیاسی از هم متفاوت میشوند. نشانی های که در پایین ارایه میگردد، احزاب سیاسی را از سایر اتحادیه های اجتماعی متمایز میسازند:

1. موجودیت اپرات حرفوی که کار آیی سازمان را برای درازمدت تامین میکند؛
2. موجودیت سازمان های باثبات محلی که ارتباط دایمی را با رهبری تامین میکند؛
3. موجودیت هدف سیاسی - رسیدن به قدرت و تحقق حاکمیت و یا دست کم اثر گذاری بالای حاکمیت؛
4. تلاش برای کسب پشتیبانی طیف های وسیع جامعه؛ نتایج انتخابات بهترین محک برای تعیین سطح پشتیبانی مردم از یک حزب است؛
5. تمکین و تکیه بر ایدئولوژی و جهان بینی در کارنامه های حزبی.

## رفقای عزیز!

من امروز آگاهانه ازین نشانی ها نام گرفتم. در یکی از گفتگوهای پالتاکی یکی از دوستان با شگفت زدگی بیان کردند که: آخر من نفهمیدم که ما حزب میسازیم یا اتحادیه صنفی! در همین حال نشانی های یاد شده در مورد احزاب سیاسی ما را کمک خواهند کرد تا یک حزب سیاسی را از سایر اتحادیه های اجتماعی تفکیک نماییم. در مورد صفات و مواصفات احزاب سیاسی به بحث مفصلتر می پردازیم. آنچه همه احزاب سیاسی معاصر را مشخص میسازد و آنها را از احزاب سیاسی آغاز و نیمه اول قرن نوزده متمایز میکند، موجودیت اپارات حزبی میباشد. به عبارت دیگر موجودیت گروه متشکل انسانها که برای شان کار حزبی و سیاسی بحیث یک حرفه میباشد.

## نشانی نخست:

اکثرن تمرکز قدرت در درون سازمان بدست رهبران حرفوی و اپارات حرفوی باعث کنار زدن اعضای عادی حزب، یا صفوف حزب از اثر گذاری بالای سیاست حزب و کنترل بالای رهبران و اپارات حزبی میگردد. ( صدایی که هر از گاهی در میان ما هم بلند میشود). در نیمه دوم سده بیست اعضای عادی حزب در بیشترین کشور های دارای نظام دموکراسی رشد یافته موفق شدند تا در حدی معینی بالای امور داخلی حزب اثر گذار باشند. بگونه مثال انتخاب نامزدان پست های دولتی نخست در نشست های حزبی و سپس معرفی آنها بحیث کاندید حزب به پست دولتی را میتوان مراد نمود.

## نشانی دوم :

موجودیت شبکه کمیته های محلی و منطقوی که حزب از طریق همین کمیته ها نه تنها بالای ارگان های مرکزی حاکمیت بلکه بالای ارگان های محلی هم اثر گذار میباشد. ولی باید گفت که احزابی هم وجود داشته اند و همین اکنون هم وجود دارند که ساختار تشکیلاتی آنها در موجودیت یک گروه نمایندگان در مجلس خلاصه میشود.

## نشانی سوم:

تلاش برای گرفتن قدرت. درین رابطه مهم است تا بدانیم که، این نشانی حزب را از سایر اتحادیه های اجتماعی تنها در همنشینی با نشانی چهارم و یا شرکت در انتخابات میتواند متمایز بسازد؛ سازمان های اجتماعی زیادی وجود دارد که به گونه چشمگیر بالای حاکمیت اثرگذار اند ولی آنها در انتخابات اشتراک نمی کنند و از میکانیزم دیگر اثرگذاری استفاده میکنند. مانند اتحادیه های حرفوی متشبین، اتحادیه های صنفی و شرکت های بزرگ و غیره.

#### نشانی چهارم:

درفر جام این ایدئالوژی است که یک حزب را از دیگری متمایز میسازد. در کشور های رشد یافته دموکراسی درگیری های اجتماعی (کانفلیکت های اجتماعی) بگونه یک سنت بدور قطب های اساسی که به گونه تقریبی میتوان آنها را به نامهای کانسرواتیو، لیبرالیسم و سوسیال-دموکراتیزم یاد کرد، می چرخند. تقریب گفتن این قطب ها به این معنی است که در سیاست واقعی هر سه ایسم یاد شده تداخل عناصر ایدئالوژی یکی در دیگری وجود دارد. در ایدئالوژی ها پهلوهای اساسی و مهم اوضاعی که در زندگی پیش می آید و گزینش خردمندان را مطالبه میکند، نشانی میگردد. در روند تصمیم گیری و تحقق گزیده ها، آرمان های اجتماعی به مثابه ی تلاش این و یا آن قشر، شکل می پذیرند.

بنابراین ایدئالوژی سیستمی از پندارهایی است که از لحاظ اجتماعی با ارزش بوده و از لحاظ نظری درست ترتیب گردیده اند. این پندارها بازتاب خواستهای اقشار معین بوده و در خدمت استحکام یا تغییر مناسبات اجتماعی قرار میگیرد.

ایدئالوژی طرز تفکر جمعیتی سیستم بندی شده ی گروهی - اجتماعی میباشد. سیستم ارزش ها یی که در ایدئالوژی نهادینه میشود، رهنمودی برای کنش اجتماعی میباشد. این رهنمود ها انسان ها را بسیج مینماید و اهداف و شیوه های عملکرد اجتماعی آنها را نهادینه میسازد.

مضمون اساسی ایدئالوژی سیاسی، حاکمیت، چگونگی برداشت از آن، مناسبت با نهادهای گوناگون سیاسی، تصورات در مورد بهترین ساختار دولتی، روش ها و ابزار تحولات اجتماعی میباشد. در ایدئالوژی سیاسی مناسبت ها با احزاب و جنبش های مردمی نشانی میگردد؛ رهنمود ها در عرصه ی مناسبات بین المللی داده میشود و اصول اساسی دریافت راه حل برای مسئله ی ملی معین میگردد. این ایدئالوژی آرمان های اجتماعی را شکل میدهد و آنها را به مثابه ی ارزش های اجتماعی مستدل میسازد.

ایدئالوژی سیاسی در دکتورین سیاسی، برنامه های احزاب و اعلامیه های نیروهای گوناگون سیاسی باز شناختی میگردد، دقیق تر میشود، سمت و سوی روشن پیدامی کند، راهکارها و میکانیزم دگر سازی حاکمیت را بازتاب میدهد.

ایدئالوژی سیاسی به حاکمیت احزاب و رژیم ها مشروعیت می بخشد. ضد ایدئالوژی هم به حق حاکمیت دولتی نیروهای اپوزیسیون مشروعیت میدهد؛ با ایفای نقش بسیج کننده و همگرایی، انسانها را به مثابه ی یک کل واحد بدور هم جمع می کند، اقشار اجتماعی و طبقات را به بخاطر تحقق خواست های شان به مبارزه دعوت مینماید.

وحدت مفکوره انسان ها را همبسته می سازد، زمینه ی شکل جماعت های سیاسی را ایجاد می کند و احساس جمعی "ما" را شکل میدهد. نقش سازنده ی ایدیالوژی سیاسی در هنگام برنامه ریزی برجسته میگردد؛ به قول معروف "جمهوریت پیش از آن که در عمل پیاده شود، در ذهن انسانها وجود داشت".

دوستان عزیز!

این نشانی ها با متدولوژی کار و کارنامه های احزاب سیاسی در جامعه رابطه تنگاتنگ دارند. اکنون پیرامون کارنامه های احزاب سیاسی سخنی چند بدین گونه بیان میشود:

کارنامه احزاب سیاسی

عمده ترین کارنامه ی یک حزب سیاسی در جامعه معاصر چنین برشمرده میشوند:

1. مبارزه بخاطر قدرت؛
2. نمایندگی اجتماعی؛
3. همبستگی اجتماعی؛
4. طرح و تطبیق مشی سیاسی؛
5. انسجام کادرها

و حالا این مسئله را به تفصیل مورد بررسی قرار میدهم:

من تا اینجا سخن های فشرده ی پیرامون مبارزه احزاب بخاطر رسیدن به قدرت و یا کم از کم بخاطر اثرگذاری بالای اجراءات حاکمیت در روند انتخاباتی، داشتم. ولی باید گفت که برای احزابی که در اقلیت هستند، و بخواهند که بالای حاکمیت اثرگذار باشند، نقش مبارزه بیرون از پارلمان و حاکمیت هم دست کم گرفته نمی شود. بگونه مثال دموکراسیون (اعتصابات، مظاهرات، تحسینهای گسترده) و غیره. به گواهی تاریخ میتوان گفت که حزب کمونیست ایتالیا بیشتر از 40 سال در اپوزیسیون قرار داشت ولی کارنامه های بیرون از پارلمان آنها حاکمیت اکثریت را مجبور میساخت تا خواسته های آنها را در سیاست خود در نظر بگیرد و ازین راه حاکمیت توانست مانع رسیدن کمونیست ها به قدرت شوند؛ ازین گفته برمیاید که کمونیست ها بدون اینکه در قدرت قرار داشته باشند، توانستند بالای کارنامه های حاکمیت اثرگذار باشند. و به همین ترتیب کارنامه های وسیع سبزها همه احزاب اروپایی را وادار ساخت تا تقاضای آنها را شامل برنامه های خود بسازند. در جرمنی کار بجایی کشید که سبزها احزاب سنتی را کنار زدند و خود سهمدار حاکمیت شدند.

دوستان عزیز!

من خدمت شما در آغاز سخن به عرض رساندم که احزاب در ابتدا تلاش میورزیدند تا بستر اجتماعی خود را در نامهای خود دقیق تعیین کنند. مانند حزب لیبرال، اتحادیه دهقانان و حزب کشاورزان، حزب سویال دموکرات و غیره. احزاب سیاسی درین راستا هم نقش مهمی را ایفا کردند. زیرا آنها توانستند گروه های مورد نظر اجتماعی را با فرهنگ سیاسی و تصور اینکه آنها هویت مشترک دارند و باید همبسته باشند، آشنا بسازند. این کارنامه که بنام نمایندگی اجتماعی یاد میشود درین جهت براه انداخته میشود:

تامین همبستگی و وحدت هوا داران بر اساس برنامه حزبی و متکی بران توسعه پایه ی اجتماعی حزب؛ به هر اندازه ی که احزاب میتوانند تصورات اجتماعی اقشار و لایه های اجتماعی را درست، روشن و مشخص بیان کنند به همان اندازه این اقشار و لایه ها به آگاهی در مورد خود و اشتراک منافع شان دست می یابند. اگر به احوال کشور خود مان توجه کنیم، خواهیم فهمید که حزب دموکراتیک خلق افغانستان در راه خود آگاهی زحمتکشان و انسجام آنها برای حلقه زدن بدور

منافع شان چه کار مهم و پرزحمتی را در تاریخ مبارزات سیاسی در کشور انجام داده است!

در حال حاضر ( از سال های 60-70 سده بیست) بدین سو هیچ یک از احزاب سیاسی هیچ گروه اجتماعی مشخص را بحیث بیس اجتماعی خود معرفی نمیکند. هر حزب سعی می ورزد تا در حد امکان اقشار وسیع و مختلف اجتماعی را باهم متحد بسازد و از گروه های مختلف اجتماعی نمایندگی کند.

حتی احزاب مذهبی تلاش میورزند تا کرکتر سراسری و تمام کشوری خود را برجسته بسازند. و همه این تلاش ها بخاطر این است که پیروزی نهایی در انتخابات نصیب حزبی خواهد بود و یا اینکه اکثریت در پارلمان نصیب حزبی خواهد شد که نه حامی منافع یک گروه مشخص بلکه مدافع منافع ملی و سراسری آحاد مردم باشد.

ولی به هر حال کارنامه نمایندگی اجتماعی احزاب سیاسی تا هنوز ماندگار بوده است؛ اکنون احزاب تلاش میورزند تا در برنامه و کارکرد شان پاسخ گوی تقاضا ها و خواست های بخش بیشتر گروه های اجتماعی باشند. یا به عبارت دیگر سخن در مورد آمیزش نمایندگی اجتماعی و همبستگی و همگرایی اجتماعی میباشد.

کارنامه ی مهم احزاب سیاسی طرح و ترتیب مشی سیاسی و هر گاه به حاکمیت برسند، تحقق این مشی است. حزب در برنامه خود بویژه ایدیالوژی ( رویکرد به تحولات، آمیزش به تغییرات، پیروی از تجدد و پیگیری دگرشدهای سیاسی واجتماعی، جهان بینی، اندیشه مسلط در بررسی مناسبات موجود در جامعه و راهای تحقق آنرا ) توضیح میدهد. مشی سیاسی همیشه به شکل سند جداگانه نشر نمیشود، بیشترین به شکل رهنمود ها برای رای دهندگان در صحبت ها و بیانیه های رهبران حزب یا نمایندگان این حزب در حاکمیت بیان میگردد.

در برخی حالات برنامه ها در آستانه انتخابات نوبتی ترتیب و ارایه میگرددند. چنین برخورد در ایالات متحده جایی که هر نامزد به مقام ریاست جمهوری برنامه خود را خود پیکش میکند، عمومیت دارد.

حالاتی هم وجود دارد که احزاب تحولات بنیادی و رادیکال را در جامعه هدف خود قرار میدهند. درین صورت برنامه برای یک مرحله معین تا زمان رسیدن به این اهداف، تدوین میگردد. چنین برنامه ها مشخصه احزاب کمونیست و سوسیال - دموکرات میباشد که بخاطر ساختمان نظام سوسیالیزم طرح و تدوین میگردد.

درفر جام کارنامه اساسی احزاب که از کارنامه های یاد شده تآسی میشود، مشارکت در شکل گیری نخبگان رهبری کننده میباشد. به عبارت دیگر احزاب بصورت بالفعل حلقه وصل بین جامعه و نخبگان سیاسی میباشد.

همین احزاب اند که بطور موثر و ثمر بخش نخبگان سیاسی را تشخیص میدهند و باز تولید آنان را تامین مینمایند. همین احزاب اند که نامزدان را به مقامات گوناگون دولتی در روند انتخاباتی از جانب خود بر میگزیند و به جابجایی آنها میپردازند.

دوستان عزیز!

درفرجام برای فشرده سازی آنچه درین جستار ارایه گردید، لازم پنداشته می شود تا یکبار دیگر نکات آسای آنرا برجسته بسازم. برای اینکه حزب ساخته شود باید پیش زمینه های معینی برای این کار وجود داشته باشد:

- نخست لازم خواهد بود تادر جامعه تحرک معینی اجتماعی - سیاسی مشاهده گردد وگروهی از روشنفکران و نخبگان برمبنای افکارسیاسی - اجتماعی برای پیریزی یک حزب دورهم جمع شده بتوانند. این گروه همبسته و همفکر مبتکرین و موسسان این حزب بوده و باید این استعداد را داشته باشد تا استراتژی راکه دیگران به دور آن عناصر فعال و آگاه جمع شوند، نشانی نمایند.

- در درجه دوم، بسیارمهم است تا حزب توانایی آنرا داشته باشد که رهبران طبیعی را بازشناختی نماید و آنان را به سوی خود جلب کند؛ بدون این کار هر حزبی که باشد به مثابه یک شبکه در جامانده باقی خواهند ماند. طبعاً این زمینه ها به یک بارگی بوجود نمی آید، بلکه به آهستگی و پیوستگی در کنار هم قرار میگیرند.
- در درجه سوم اکیونیسیم خواهد بود. مرحله اساسی در حیات حزبی زمانی فرامیرسد که حزب توانمندی عملکرد سیاسی را پیدا نماید وبرنامه های سازنده ی رارایه کند، گفتمانهای سیاسی جامعه را به پذیرد، با دیگران کناریباید و در خودگردانی های محلی وپارلمان نماینده بفرستد وبا جنبش های اجتماعی تماس زنده و تنگاتنگ قایم نماید.
- بدرجه چهارم، برای اینکه به نقش و جایگاه حزب در زندگی جامعه پی ببریم، باید کارنامه ی آنرا بدینگونه که در ذیل توضیح میگردد، آشکار بسازیم:

1. روشنگری اجتماعی - سیاسی و یگانه سازی (وحدت) شهروندان براساس اشتراک منافع،
  2. توضیح اوضاع سیاسی و اجتماعی - اقتصادی وارایه پلاتفورم عمل برای مردم، بخاطر تحقق این امر حزب با نیروهای دیگر سیاسی داخل گفتمان می شود،
  3. مشارکت در مبارزه بخاطر قدرت و طرح برنامه عمل برای دولت،
  4. ایجاد فرکسیون پارلمانی به مثابه حلقه وصل میان حزب و ارگان های حاکمیت وارایه طرح قوانین برای پارلمان،
  5. طرح اصول واشکال مناسبات با احزاب دیگر و بستن پیمان های انتخاباتی،
  6. سازماندهی اپوزیسیون در برابر ارگان های دولتی، وارد آوردن فشار روی آنها در صورتیکه مشی آنها انعکاس دهنده منافع آن بخشی از جامعه که حزب از آن نمایندگی می کند، نباشد،
  7. میانجی گری میان جامعه شهروندی وحاکمیت سیاسی،
  8. تربیت وپیش کشیدن کادرها برای کار در دولت،
  9. کار با جوانان به منظور جلب آنها به زندگی فعال سیاسی وکارکرد های مثبت آنان در روند سیاسی - اقتصادی جامعه.
- دوستان عزیز!

من در اجلاس یگانه سازی دوحزب درهالند اشتراک کرده بودم وخرسندم که درین راستا کاربزرگی براه افتاده است. از نظر من مناسبتر خواهد بود اگر کار همسو و یگانه سازی، در دو سمت با توجه به موارد زیرین ادامه پیدا کند:

1. در جهت نزدیک شدن هر چه بیشتر مواضع فکری و راهکارهای این دوحزب تلاش گردد. پیامد این کار در صورت پیگیری و اعتماد سازی خط فکری و مشی سیاسی یگانه خواهد بود. اما چنین خط فکری باید ازبسترگفتمان برخیزد.

2 کار در جهت همبستگی نیروهای ملی و معتقد به دموکراسی. این درست همان شعاری است که در درودیوار سالونیکه اجلاس یاد شده در آن دایر شده بود، به چشم می‌رسید.

دوستان عزیز!

من در آغاز سخن درباره نشانی های یک حزب سیاسی عرایضی داشتم و شما ملاحظه فرمودید که اگر نشانی درست باشد ما میتوانیم به سادگی نیروهای همفکر و جایگاه خود را در مبارزات سیاسی پیدا کنیم. ولی متأسفانه تاحال موفق نشده ایم که نشانی "نیروهای ملی - مذهبی، مترقی و دمکرات" را برجسته بسازیم تا ما را در جستجوی این نیروها یاری برساند و بتوانیم به این امر بزرگ توفیق حاصل نماییم.

پیشنهاد من برای همه دوستان و گردانندگان این تالار پرازمیمیت و از طریق ایشان به همه نیروهای سیاسی مردم دوست، این است که بحث هایی را پیرامون این نشانی ها روبراه سازند تا باشد هم بخاطر یگانه سازی درونی وهم برای همبستگی وسیع نیروهای ملی از همین اکنون بکار آغاز کرده باشیم. با داشتن نشانی های موافقت شده میتوان درب وحدت را با انرژی زیاد و اطمینان خاطر دق الباب کرد.

پایان

[admin@vatandar.at](mailto:admin@vatandar.at)

مدیر مسوول : دیپلوم انجینیر عمر ممسن زاده

صاحب امتیاز : انجینیر نجیب یوسفی

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

گزیده های مقالات داکتر نجیب الله مسیر

<http://www.vatandar.at/masir.html>